



درس خارج فقه، مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۱۷ بهمن ۱۳۹۶

مصادف با: ۱۹ جمادی الاولی ۱۴۳۹

جلسه: ۵۷

موضوع کلی: فصل فی أفعال الوضوء

موضوع جزئی: الرابع: مسح الرجلین

سال تحصیلی: ۹۶-۹۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

الرابع: مسح الرجلین

الرابع: «مسح الرجلین من رؤوس الأصابع إلى الکعبین»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، چهارمین مورد از افعال وضو، مسح دو پا از سر انگشتان تا کعبین [برآمدگی روی پا] است.

ادله وجوب مسح پاها

دلیل اول: کتاب

«...وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...»^۲.

امامیه معتقد است که در هنگام وضو گرفتن باید پاها مسح شوند، لکن عامه معتقد است که پاها نیز باید شسته شوند. این اختلاف بین امامیه و عامه ناشی از اختلاف ادبی است که در رابطه با عبارت «ارجلکم» در آیه مذکور، واقع شده است. بحث ادبی در رابطه با آیه مذکور این است که آیه مذکور، در قرائت عاصم [قرئت رایج در عصر حاضر] به فتح لام در «ارجلکم» آمده است ولی در قرائت ابن کثیر و امثال آن، به کسر لام در «ارجلکم» آمده است. بنابراین، هم «ارجلکم» و هم «ارجلکم» قرائت شده است و امامیه معتقد است که «ارجلکم» چه به فتح لام باشد و چه به کسر لام باشد اثبات کننده مدعا [مسح پاها] است و این گونه نیست که اگر «ارجلکم» به فتح لام باشد مدعای اهل سنت [شستن پاها] را ثابت کند. بنابراین، اگر «ارجلکم» به کسر باشد، «ارجلکم» عطف بر «برؤسکم» است لذا همان طور که سر باید مسح شود، پاها نیز باید مسح شوند، ولی اگر «ارجلکم» به فتح باشد بین امامیه و عامه اختلاف شده است؛ به این نحو که امامیه گفته اند که «برؤسکم» محلاً منصوب است و در نتیجه «ارجلکم» به فتح بر محل «برؤسکم» عطف شده است لذا در هنگام وضو گرفتن، پاها نیز باید همانند سر مسح شوند، ولی عامه گفته اند که اگر «ارجلکم» به فتح باشد بر «وجوهکم و ایدیکم» عطف شده است لذا در هنگام وضو گرفتن، پاها نیز باید همانند صورت و دست ها شسته شوند، لکن در پاسخ از عامه عرض می شود که عطف «ارجلکم» بر «وجوهکم و ایدیکم» با مقتضای ادبیات عرب تناسب ندارد و یک ادیب معمولی این کار را نمی کند که بین معطوف و معطوف علیه فاصله بیندازد، چه برسد به حکیمی مثل خداوند متعال که کتاب او در اوج فصاحت و بلاغت است، بنابراین، «ارجلکم» چه به کسر لام باشد و چه به فتح لام باشد بر «برؤسکم» معطوف است و بر مسح پاها دلالت دارد.

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۱۰.

۲. «المائدة»: ۶.

دلیل دوم: روایات

روایت اول: عَنْ زُرَّارَةَ وَبُكَيْرٍ أَنَّهُمَا سَأَلَا أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنْ وُضُوءِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؛ فَدَعَا بِطُشْتٍ... «فَإِذَا مَسَحَ بِشَيْءٍ مِنْ رَأْسِهِ أَوْ بِشَيْءٍ مِنْ قَدَمَيْهِ مَا بَيْنَ الْكَعْبَيْنِ إِلَى أَطْرَافِ الْأَصَابِعِ فَقَدْ أَجَزَّاهُ...»^۱.

روایت دوم: عَنْ زُرَّارَةَ وَبُكَيْرٍ ابْنَيْ أَغَيْنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ أَنَّهُ قَالَ فِي الْمَسْحِ: «تَمْسَحُ عَلَى النَّعْلَيْنِ وَلَا تُدْخِلُ يَدَكَ تَحْتَ الشَّرَاقِ وَ إِذَا مَسَحْتَ بِشَيْءٍ مِنْ رَأْسِكَ أَوْ بِشَيْءٍ مِنْ قَدَمَيْكَ مَا بَيْنَ كَعْبَيْكَ إِلَى أَطْرَافِ الْأَصَابِعِ فَقَدْ أَجَزَّأَكَ»^۲.

دلیل لزوم مسح پاها از سر انگشتان تا کعبین

مشهور معتقدند که مسح پاها باید از سر انگشتان تا کعبین باشد. گفته شده است که در لزوم مسح پاها از سر انگشتان تا کعبین [برآمدگی روی پا]، اختلافی نیست، بلکه ادعا شده است که شهرت و اجماع نیز بر لزوم مسح پاها از سر انگشتان تا کعبین، قائم شده است.

همچنین، بر لزوم مسح پاها از سر انگشتان تا کعبین، به آیه شریفه ذیل استناد شده است:

«...وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلُكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...»^۳.

«الی الکعبین» غایت و حد برای ممسوح است، یعنی غایت مسح شده را بیان می‌کند و بیشتر از آن لازم نیست، اما ابتدا و انتهای مسح از این آیه شریفه استفاده نمی‌شود لذا با توجه به اطلاق آیه مذکور، ممکن است که در مورد مسح پاها نیز مثل مسح سر، گفته شود که نکس [بر عکس مسح کردن، یعنی مسح از کعبین به سمت سر انگشتان] نیز جایز است.

البته بعضی از بزرگان، مثل شهید اول (ره) در ذکری و صاحب حدائق (ره)^۴ عدم وجوب مسح از سر انگشتان تا کعبین را احتمال داده‌اند، بلکه مدعی شده‌اند که مسمای مسح پاها کافی است برای مدعای خود به دو طایفه از اخبار استناد کرده‌اند:

طایفه اول، روایاتی است که بر این دلالت دارند که مسح به چیزی است سر و پاها مجزی است بدون اینکه بر استیعاب دلالت داشته باشند که روایات ذیل از آن جمله‌اند:

روایت اول: عَنْ زُرَّارَةَ وَبُكَيْرٍ أَنَّهُمَا سَأَلَا أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنْ وُضُوءِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؛ فَدَعَا بِطُشْتٍ... «فَإِذَا مَسَحَ بِشَيْءٍ مِنْ رَأْسِهِ أَوْ بِشَيْءٍ مِنْ قَدَمَيْهِ مَا بَيْنَ الْكَعْبَيْنِ إِلَى أَطْرَافِ الْأَصَابِعِ فَقَدْ أَجَزَّاهُ...»^۵.

روایت دوم: عَنْ زُرَّارَةَ وَبُكَيْرٍ ابْنَيْ أَغَيْنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ أَنَّهُ قَالَ فِي الْمَسْحِ: «تَمْسَحُ عَلَى النَّعْلَيْنِ وَلَا تُدْخِلُ يَدَكَ تَحْتَ الشَّرَاقِ وَ إِذَا مَسَحْتَ بِشَيْءٍ مِنْ رَأْسِكَ أَوْ بِشَيْءٍ مِنْ قَدَمَيْكَ مَا بَيْنَ كَعْبَيْكَ إِلَى أَطْرَافِ الْأَصَابِعِ فَقَدْ أَجَزَّأَكَ»^۶.

گفته‌اند که این دو روایت بر این دلالت دارند که در مسح پا، استیعاب [، یعنی کامل کردن مسح از سر انگشتان تا کعبین] لازم نیست، بلکه مسمای مسح کفایت می‌کند.

بحث جلسه آینده: ادامه روایاتی که بر کفایت مسمای مسح پاها اقامه شده‌اند، ان شاء الله، در جلسه آینده ذکر خواهند شد.

«الحمد لله رب العالمین»

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۱۵، ص ۳۸۹، ح ۳.

۲. همان، باب ۲۳، ص ۴۱۴، ح ۴.

۳. «المائدة»: ۶.

۴. یوسف بن احمد بن ابراهیم، بحرانی آل عصفور، الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج ۲، ص ۲۹۳.

۵. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۱۵، ص ۳۸۹، ح ۳.

۶. همان، باب ۲۳، ص ۴۱۴، ح ۴.